



اصل هدف از دعا چیست؟

دعا کردن همیشه بدین معنا نیست که از خدا چیزی بخواهیم. گاه دعا یعنی از خدا خود او را خواستن و این والاترین و با شکوه ترین مرتبه دعا است.

دعا کردن همیشه بدین معنا نیست که از خدا چیزی بخواهیم. گاه دعا یعنی از خدا خود او را خواستن و این والاترین و با شکوه ترین مرتبه دعا است.

به گزارش خبرگزاری مهر، این نوشتار به موضوع دعا و نیایش می پردازد و به این سوال که هدف از دعا کردن چیست پاسخ می دهد؛

برای روشن شدن هدف و فلسفه دعا توجه به نکات زیر ضروری به نظر می رسد.

الف-دعا توجه انسان به سرچشمه وجود و پروردگار هستی است. در میان همه عبادت ها عبادتی نیست که چون دعا این رابطه فرخنده را به شایستگی تحقق بخشد و آن را مداوم و جاودانه گرداند. دعا یک فرصت برتر و بدل ناپذیر است که خدای تعالی به بندگان عطا کرده تا آنان با سود جستن از آن به حضور یگانه هستی بخش خود بار یابند و از حضرتش برای پیمودن طریق کمال و سعادت و سربلندی روح مدد خواهند. دعا چاره ساز دردها و گرفتاری های روانی و جسمانی است.

ب-شناخت انسان از نیازهای بی حد و مرز خود و بی نیازی مطلق پروردگارش و این که او مبدا هر خوبی و کمالی است، با روی آوردن وی به دعا رابطه مستقیم دارد. در این میان هر چه نیازهای او بزرگ تر و دردهایش جانکاه تر باشد، نیایش و تضرع کردنش به درگاه خداوند شدت و گرمای بیش تر خواهد یافت. سر تاکید و توجه ویژه ای که در سنت و سیره پیامبران و پیشوایان الهی بر دعا و پرداختن به آن شده است و نیز راز اشتیاق بسیار آن بزرگان به دعا در این واقعیت نهفته است. [۱] پیامبر گرامی اسلام (ص) هم خود اهل دعا و راز و نیاز بود و هم دیگران را به حاجت خواستن از پروردگار یکتا سفارش می فرمود و ترک آن را جایز نمی دانست. [۲]

امام صادق (ع) درباره امام علی (ع) فرموده است: «امیر مؤمنان (ع) دعاه (بسیار دعا کننده) بود. [۳]

دیگر پیشوایان ما نیز به دعا عنایت ویژه داشتند و از خود دعاهای گران بها و پرمحتوایی به یادگار گذاشته اند. این بخش از میراث آن پاکان در مجموعه هایی با عنوان «صحیفه» گردآوری و تدوین شده است؛ به عنوان نمونه می توان به «صحیفه سجادیه» «صحیفه صادقیه»، «صحیفه کاظمیه» و «صحیفه رضویه» اشاره کرد.

ج-با دقت در این صحیفه ها و دیگر متون معتبر دعا درمی یابیم که بالاترین مرتبه نیازخواهی نزد امامان معصوم (ع)، ابراز عشق پرشور و بی منتها به معبود یگانه و ستایش پروردگار و یادکرد شکوه و بزرگی او است؛ یعنی انسان به چنان رشد معنوی و بالندگی روحی دست پیدا کند و تا آن جا به خدای متعال نزدیک شود که عشق تابناک و حیات بخش الهی بر همه وجودش پرتو افکند و هر اندیشه و خاطری جز اندیشه معشوق ازل و ابد را از دلش بزدايد و چنان شود که انسان راه یافته به حریم دوست جز دوست نخواهد و جز او را طلب نکند.

پس دعا کردن همیشه بدین معنا نیست که از خدا چیزی بخواهیم. گاه دعا یعنی از خدا خود او را خواستن و این والاترین و با شکوه ترین مرتبه دعا است که بیش از هر جا و در عالی ترین شکل خود، در نیایش های رسیده از معصومان (ع) یافت می شود. از این رو است که پیامبر (ص) به هنگام دعا خواستار عشق شورمند الهی است و این که این عشق برترین، لذت بخش ترین عشق ها گردد: اللهم انی اسالک حبک و حب من یحبک، و العمل الذی یبلغنی حبک. اللهم اجعل حبک احب الی من نفسی و اهلی و من الماء البارد؛ [۴] خدایا، من از تو عشق تو را خواهانم و عشق به دوست دارانم را و این که در پی کار می روم که مرا به عشق تو پیوند دهد. خدایا، آن کن که دوستی تو پیش من از خودم و خانواده ام و آب خوش گوار محبوب تر باشد.

د- دعا در اندیشه اسلامی، افزون بر این که وسیله ابراز عشق به خدا است، روشی مهم و تاثیر گذار برای تعلیم و تربیت و تعالی بخشیدن به روح آدمی در ساحت های فردی و اجتماعی است.

مجموعه تعالیم دینی و آموزه های تربیتی و دانش های الهی که در متون دعایی مطرح گردیده، در جهت پرداختن به دو اصل

مهم «تربیت» و «تعلیم» و آموختن دانش و بینش براساس باورهای اسلامی است.

بی تردید، دعا کردن و دست نیاز به سوی خداوند بی نیاز برآوردن، تنها ویژه تعلیم اسلامی نیست، بلکه در همه ادیان و مذاهب دعاها و کلماتی برای مناجات با پروردگار وجود دارد. با این همه آنچه دعاها و دعاها را از دعاها و دعاها می سازد، مایه و بودن محتوا و اثر بخشی بسیار دعا در همه ابعاد زندگی انسان است. به دیگر سخن، «دعا در اسلام - جز دعاها قرآنی که عین وحی است - بیان دیگری از آموزه های فرد ساز و جامعه پرداز وحی است؛ یعنی همان درس های قرآنی است که خداوند مهربان برای تربیت انسان، به وسیله آیات آسمانی فرستاده است. ادعیه خود به گونه ای تفسیر قرآن کریم اند و شرح معارف آسمانی اند و یادآور تربیت های قرآنی و تکرار و تاکید و تشریح آموزه های وحیانی».[۵] راستی چه فرقی می توان نهاد میان قرآن کریم و متن دعایی صحیفه سجاده، که هر دو از جهت محتوا و تنوع مضمون و نیز هدف تعلیمی و تربیتی هم داستاند و به یک نقطه چشم دوخته اند، جز این که یکی «قرآن نازل» و معجزه ماندگار پروردگار است و دیگری نمونه کامل «قرآن صاعد» و املائی امام زین العابدین (ع)؟

هـ- حال، با توجه به جایگاه بلند دعا در اندیشه اسلامی و نقش بزرگ آن در سازندگی فردی و اجتماعی و پیوند ناگسستنی اش با وحی الهی، جای این گله گذاری و سخن دردمندانه است که بگوییم برخورد جامعه اسلامی (عامه مردم و عالمان و روشنفکران) با این میراث گران سنگ تزکیه و تعلیم برخوردی اصولی و مبتنی بر شناخت تمام عیار حقیقت دعا نبوده است و در میان متون مقدس دینی، بیش از همه این چهره فروغ گستر متون دعایی است که زیر خروارها غبار غربت و بی اعتنائی پوشیده مانده است.

سبب چه می تواند باشد جز ناآگاهی مردمان و نادانی مدعیان فضل و آگاهی در طول تاریخ نسبت به نقش سازنده دعا که خود باعث گردیده بسیاری از ما یا با دعا احساس بی گانگی کرده، آن را از صحنه زندگی خود حذف کنیم و یا بی توجه به فلسفه عمیق نیایش با آن برخوردی از سر کسب و سودجویی داشته باشیم؛ خود را با خواندن دعا سرگرم می کنیم بی آن که معنای آن را بفهمیم و پیام های ژرف و گوناگونش را دریابیم؛ تنها برای خواستن نیازهای حقیر و کم ارج یا برای بردن ثواب و گاه جهت رفع بی کاری و توجیه کاستی ها و سستی ورزیدن ها؛ و این بدترین و سطحی ترین گونه برخورد با ادعیه است که بی شک در آنها هدفی بس والاتر و حیاتی تر مورد توجه بوده است؛ یعنی جهت دادن به حیات دنیایی انسان در همه عرصه ها و تربیت او بر اساس فضیلت ها و راه نمودن وی به بهشت خشنودی خدا.

و- پایان بخش سخن، بخشی از دعای امام سجاد (ع) در پنجاه و دومین نیایش در «صحیفه سجاده» است که هم راز و نیاز وی با پروردگار هستی ها است و هم به ما می آموزد که راه و شیوه دعا گذاری کدام است و به هنگام نیایش، از خدا چه چیزها باید خواست:

«معبود من، از تو می خواهم که به حق خود که بر همه آفریدگانت لازم گردانده ای و به نام بزرگ خود که به پیامبرت فرموده ای با آن به تسبیح تو پردازد و به بزرگی ذات بزرگواری که نه کهنگی می پذیرد و نه دگرگون می شود و نه تغییر حالت می دهد و نه از میان می رود، بر محمد و خاندانش درود فرستی و مرا با عبادت خود از هر چیز بی نیاز کنی و با ترس از خود، محبت دنیا را از دلم بزدایی، و به رحمت خود مرا با دستی پر از کرامت بازگردانی؛ زیرا من تنها به سوی تو می گریزم و تنها از تو می ترسم و تنها از تو فریادرس می خواهم و تنها به تو امیدوارم و تنها تو را می خوانم و تنها به درگاه تو پناه می آورم، و اعتمادم تنها به تو است و تنها از تو یاری می جویم و تنها به تو ایمان دارم و تنها بر تو توکل می کنم و اتکای من تنها به جود و بخشش تو است».[۶]

[۷]

پی نوشتها؛

[۱] کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

[۲] رسول خدا (ص) فرمود: «ترک دعا، گناه است»، تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۵۴.

[۳] اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

[۴] کنز العمال، ج ۳۶۴۸.

[۵] جامعه سازی قرآنی، ص ۱۹۳.

[۶] صحیفه سجادیه.

[۷] اقتباس از دانشنامه حوزه، با دخل و تصرف.

منبع: اسلام کوئست